

پیکار با دو جناح حزب توده و هیئت حاکمه (سال چهارم ، شماره 1 ، بهار 1374)

مهرگان

از انتشارات جامعه‌مصلحت‌ایران

نشریه فرهنگی-سیاسی

دوره نشریه‌ی نویسنده‌گان

جامعه‌مصلحت‌ایران موسسه‌ایست غیرانتفاعی
که برصیق قوانین آمریکا به ثبت رسیده است.
: کسکهای مالی به آن سازمان طبق قوانین آمریکا
مستول صافیت مالیاتی است.

نظراتی که در مقالات مطرح شده
ازبما منعکس کننده دیدگاه مهرگان نیست
نقل مطالب مهرگان بدون ذکر مأخذ مجاز نیست

بهای اشتراک: در آمریکا با احتساب هزینه پست:
\$ شماره ۲۵ دلار — دانشجویان ۱۵ دلار با ارسال فوکی کارت اشتال به تحصیل —
موسسات ۵۰ دلار — برای سایر کشورها با احتساب هزینه پست هوایی ۳۵ دلار فقط با
ارصال مالی اردر بین المللی International Money Order
بنوان: Iran Teachers Association
به نشانی زیر:

Iran Teachers Association:
P.O. Box 8257
Washington, D.C. 20015
U.S.A.

ارسلان فرماید:

تلفن: ۷۶۸۲-۹۰۷۰ (۳۰۱)

فاکس: ۲۴۳۶-۹۰۷۰ (۳۰۱)

مقالات بدون اعضا از هیئت تحریریه است



مهرگان

نشریه فرهنگی-سیاسی

سال چهارم شماره ۱ بهار ۱۳۷۴

فهرست مطالب

۱۳۲	رضا قرشی	اقتصادی نگاهی به سامان بازگشتی خارجی جمهوری اسلامی و تغییرات آن	۱	هستی‌نگاری و وحدت ملی تنها پشتوانهٔ نجات ما است
۱۵۵	حمید حمید	تاریخی قدمای شیعه و جامعه شیعه کشتان همدان	۱۸	از طرح بسیج عمومی برای همبستگی و وحدت ملی هدفی در موره نظر نیست
۱۵۸		حیر و نظر رسوایی واگذاری قوماندانی‌های دولتی به نام «فریاد» به مدبران مملکت	۲۳	شرح هوناک حلل ملکی
۱۶۱		جاقویی که شسته خود را برد	۲۸	مسائل روز نظام ولایت فقیه در گرداب فساد و انحطاط
۱۶۵	د. بهمن افغانیایان	نقد کتاب اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی	۳۶	سختی در حاشیه تحریم بازرگانی ایران و موضع‌گیری برخی از گروهها
۱۷۴	جوخت	از میان نامه‌های رسیده به پناهه برگزاری فستوال هو اسلامی در پاکستان	۳۹	فره‌نسه فصل جدید سیاسی
۱۷۶		در ترازوی رهان اخبار فرهنگی	۴۱	مهرگان در ۹۷ سال حیات پرفشیب و فراز خود
۱۸۰		اخبار اقتصادی	۶۰	دو هنر سکوت و مبارزه قدرت حکومت مرکزی و حکومت قانون
۱۸۲		اخبار اجتماعی	۶۵	باید اصول خاندانی را از بن برد
۱۸۶		دو یک نگاه	۶۶	بخش در مبادی استتیک هنر و مذهب
۱۸۸		دیروز و امروز سخنان آیت‌الله خمینی در پاریس دربارهٔ آزادی	۷۴	اقتصاد: اجماع دانشور
۱۹۲	عی، اکبر دهخدا	در گذرگاه تاریخ چند کشف به مخالفین	۷۵	سید نفیسی
۱۹۴			۷۸	محسن هشتروزی
			۷۹	سیاسی آزادی احزاب و سازمانهای سیاسی
			۹۱	و اجتماع در جمهوری اسلامی (۵) بنیادگرایی و جهان معاصر
			۱۰۱	مزع اسرائیلی و فلسطینی و حران صلح
			۱۱۳	فرهنگی — اجتماع سالگرد قیام ۱۲ اردیبهشتماه سال ۱۳۴۰ معتم
			۱۱۹	ادبیات معاصر ایران و نرازدی هویت (۳) سیامک وکیلی

شماره ۱۰
مهرماه ۱۳۳۵
نخستین شماره ۲۰۰۰



مهرگان
مهرگان با نشر بنیاد ملی
مهرگان با نشر بنیاد ملی

شماره ۱۰ سال دوم

شماره ۱۰ سال دوم

به مناسبت آغاز چهارمین سال انتشار مهرگان در خارج از کشور

مهرگان در ۴۷ سال حیات پر نشیب و فراز خود

اولین شماره روزنامه هفتگی مهرگان در تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۷ یعنی ۴۷ سال قبل به مدیریت محمد درخشش و سردبیری عبدالعزیز زرین کوب با بررسی حیات گذشت و در فاصله کوتاهی بصورت یکی از پرنفوذترین نشریات، مورد استقبال اندیشمندان و روشنفکران قرار گرفت. مهرگان پس از هشت سال انتشار، در حائیکه اغلب اوقات نیز در محاق توقیف بود با چاپ سرمقاله‌ای در سال ۱۳۳۵ تحت عنوان «از این اساس غلط وین بنای پایه بر آب» توقیف و از آن پس برای مدت ۳۶ سال در زندان استبداد به بند کشیده شد. این وضع ادامه داشت تا در دوران یکساله قبل از انقلاب بطور مخفی و نامرتب منتشر گردید، پس از انقلاب نیز در آن محیط هرج و مرج و آشفته و سرشار از ترس و وحشت هیچگاه مجال انتشار نیافت. اکنون مدت سه سالست که مهرگان بصورت فصلنامه در خارج از کشور منتشر می‌شود و خوشبختانه با استقبالی کم‌نظیر مواجه گردیده است. بودجه مهرگان علاوه بر حق اشتراک از طریق کمکهای مالی هموطنان و استفاده از کمک دو بیاد خصوصی تأمین می‌شود. با اینحال این نشریه همواره در مضیقه مالی است. مهرگان ابتدا به نام ارگان جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی و ناشر افکار معلمان ایران منتشر می‌گردید و پس از تشکیل معلمان سراسر کشور در سازمانی واحد، و تغییر نام جامعه لیسانسیه‌ها به جامعه معلمان ایران، این نشریه نیز بعنوان صدای معلمان ایران و اندیشمندان بحیات خود ادامه داد.

برای آشنایی خوانندگان مجله مهرگان با بنیانگزاران و نویسندگان روزنامه مهرگان ذیل به نام عده‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

دکتر محسن هشتروندی (عضو هیئت مدیره جامعه) - دکتر عبدالحمید زین کوب (عضو هیئت مدیره جامعه و سردبیر مهرگان) - دکتر زهرا کیا (خاتنری) عضو هیئت مدیره جامعه - خلیل ملکی - دکتر سیمین دانشور - جلال آل احمد - علی اصغر حاج سید جواد - محمد درخشش (عضو هیئت مدیره) - رحمت الهی - احمد برشک - جبار باغچه‌دن - محمد زهری - نادر نادریور - دکتر ذبیح‌الله صفا - فریدون مشیری - دکتر احسان یارشاطر - انور خاتمی که زمانی کوتاه عهده‌دار اداره روزنامه بود - سعید نفیسی - دکتر صورنگر - حبیب یغمایی - محمد علی عامری - دکتر غلامحسین زیرک‌زاده - مهندس زیرک‌زاده - دکتر قمر آریان (زیرین کوب) - مهندس ضیاء موجدی - دکتر حمیدی شیرازی - دکتر هوشیار - اسدالله بیژن - دکتر بهزاد - مهندس قندهاریان - دکتر محمد هادی شفیع‌یها - دکتر وصال تهرانی - منوچهر محمودی - احمد آرام - غلامرضا سمعی - علی اصغر خبره‌زاده - زین العابدین موتمن - دکتر ناصر ماهوتیان - فریدون کوشا - دکتر هوشنگ کاووسی - سیاوش کسرای - عبدالحسین نوایی - پورداود - باستانی پریزی - فریدون توللی و عده‌ای دیگر از محققان و استادان و فرهنگیان و شعرا و نویسندگان.

انگیزه انتشار مهرگان و بیکارها در دو جنبه

هدف و انگیزه انتشار مهرگان علاوه بر دفاع از حقوق مادی و معنوی معلمان در سراسر ایران و دادن به تعلیم و تربیت فرزندان کشور، ارتقاء فرهنگ جامعه یعنی اعم آن در پرتو فروع آزادی و استقلال برای عبور از مرز عقب‌ماندگی و ورود به دنیای صنعتی و آزاد بود.

سازمان معلمان و مهرگان در مبارزات خویش همواره با دو جناح، یکی جناح هیئت حاکمه وابسته به غرب و دیگری حزب ثوده وابسته به شرق در بیکار شدید بود. بهمین دلیل هیئت حاکمه جامعه ما را یک سازمان کمونیستی و ثوده‌ای و حزبی ثوده، عامل هیئت حاکمه می‌نامند.

از کتاب گزارش یک زندگی، نوشته آقای دکتر علی اکبر سیاسی رئیس اسبق دانشگاه تهران

خلاصه‌ای از صفحات ۱۹۶ تا ۱۹۹ این کتاب:

«دوشنبه ۱۷ آبان‌ماه ۱۳۲۷...»

... جامعه لیسانس‌های دانشسرای عالی که محل اجتماعشان همیشه در تالار دانشسرای عالی بود سه هفته پیش برای اعتراض به بعضی اقدامات خلاف قانون وزارت فرهنگ خواستند با اتفاق فارغ التحصیل‌های دانشسرای مقدماتی در همان تالار جلسه‌ای تشکیل دهند. پیش از

ظهر آن روز از همه طرف به من تلفن شد که از تشکیل آن جلسه در دانشسرای عالی جلوگیری کنم. آقای هژیر نخست وزیر بعد از سه بار تلفن سرانجام توانست با من تماس بگیرد و بگوید لازم است از آن اجتماع جلوگیری شود. به او گفتم دسترسی به نمایندگان لیسانسیه‌ها ندارم گذشته از این برخلاف شهرتی که داده‌اند هیچ اتفاق نامناسبی روی نخواهد داد... اصرار کرد که جلوگیری شود، از شهربانی تلفن کردند همین تقاضا را داشتند. آقای سرهنگ گیلان‌شاه رئیس رکن ۲ ستاد ارتش از قول وزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش همین تقاضا را کرد و در آخر بیانات خود اضافه کرد: «اعلیحضرت هم خرسند خواهند شد»... در حدود ساعت چهار بعد از ظهر آقای درخشش رئیس جامعه لیسانسیه‌ها تلفن کرد که پنج سرهنگ شهربانی و عده کثیری پاسبان جلوی دانشسرا هستند و از ورود فرهنگیان جلوگیری می‌کنند و می‌گویند از شخص رئیس دانشگاه دستور داریم... یک ربع بعد آقای کوشا از زعمای لیسانسیه‌ها به منزل من آمد و گفت امروز نزدیک دو هزار دبیر و آموزگار به این جلسه دعوت دارند و رئیس آگاهی آقای سرهنگ سرتپ‌پور می‌گوید از رئیس دانشگاه دستور کتبی داریم که از ورود معلمین به دانشسرا جلوگیری کنیم. من این موضوع را تکذیب کردم، آقای کوشا گفت ممکن است این تکذیب را مرقوم فرمایید؟ نوشتم اینجانب نه کتباً نه شفاهاً از شهربانی نخواستم از ورود معلمان بدانشسرا ممانعت بعمل آورند. دکتر اقبال که مراقب این جریان بود این نوشته را بدست آورد و مستقیماً بحضور شاه برده عرض کرده بود قربان ملاحظه میفرمایید (اینهم سند همکاری دکتر سیاسی با توده‌ایها). دکتر جهان‌شاه صالح بشورای رؤسای دانشکده‌ها خبر آورد که شاه مجدداً نسبت به دکتر سیاسی خشناک بود. باری در شرفیایی گفتم در جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی که از هزاران نفر تشکیل شده شاید عده‌ای معدود توده‌ای وجود داشته باشند. محمد درخشش رئیس جامعه و چند تن از زعمای آن به هیچوجه توده‌ای نیستند جنیف چیگرایی نداشتند.»

پیکار با دو جناح حزب توده و هیئت حاکمه

یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین اقدامات ما بررسی و تجزیه و تحلیل اعمال شوم و مغرب حزب توده خاصه تأثیر ویران‌کننده اخلاقی و معنوی این حزب بر جامعه بوده است که زخمهای عمیق و احیاناً غیر قابل علاج آن بر پیکر جامعه ما بدین زودیها التیام نخواهد یافت. خاصه که نظام ولایت فقیه نیز در دروغ‌پرازیها و هتک حیثیت آزاداندیشان و اتهامات معمول و تخریب پایه‌های اخلاقی و معنوی جامعه، وارث و مقلد حزب توده است.

حزب توده گروه عظیمی از جوانان آرزومند سعادت و رفاه ملت و استقلال کشور را که در

جستجوی آمال خویش بدین حزب گرویده بودند فدای منافع شوروی کرد و با تباه ساختن وقت و انرژی آنها این نیروی عظیم و قداکار و از خود گذشته را مایوس و خانه نشین ساخت و برای همیشه این سرمایه های معنوی کشور را از دخول در سیاست متفر نمود و بدین ترتیب حساس ترین و مناسبترین موقعیت تاریخی را که برای ملت ایران در رهایی از اسارت استبداد پیش آمده بود ضایع و تباه ساخت.

بررسی بیطرفانه اعمال مخرب حزب توده بر اساس اسناد و مدارک موجود، مردم ما خاصه نسل جوان را از علل و جهات عقب ماندگیها و سیه رویها و فسادهای مادی و معنوی موجود در جامعه آگاه خواهد ساخت و ثابت خواهد نمود که این تنها نظامهای استبدادی و استعمارگران خارجی نبودند که ملت ایران را به چنین سرتوشت شومی گرفتار ساختند بلکه سهم حزب توده بعنوان ستون پنجم شوروی در ایران در عقب ماندگیها و مصائب مردم خاصه تخریب معنویات جامعه و آثار شوم آن در فرهنگ و آموزش و پرورش کشور از آن دو بیشتر بوده است.

جامعه ها در بحیوچه قنبرث و نفوذ حزب توده با تن در دادن بهر گونه خطر و اتهام مجبور، لحظه ای از نبرد و افشاگری و نشان دادن چهره حقیقی این حزب به مردم، خاصه نسل جوان غفلت نورزید. حزب توده نه تنها از طریق نشریات و تبلیغات گسترده خویش علیه جامعه و روزنامه ها پیاختاست بلکه با اعزام مکرر سیل چماقداران خویش به باشگاه مهرگان و جلسات عمومی و مجالس سخنرانی ما و ضرب و شتم و تهدید و ارباب فرهنگیان و شکستن و بهم ریختن اثاثیه و مدارک و اسناد جامعه و... به وقیحانه ترین اعمال ضد انسانی و اخلاقی مبادرت می نمود. نمونه هایی از اینگونه مبارزات به اصطلاح «شرافتمندانه»!! آنها در شماره های مهرگان منعکس گردیده است.

بنابراین جامعه ما از یک طرف مورد حملات قلمی و بدنی حزب توده فرار می گرفت و از طرف دیگر مورد هجوم قوای انتظامی برای دستگیری و زندانی کردن اعضای فعال آن و تعطیل باشگاه و روزنامه مهرگان، اما بشهادت اسناد تاریخی معتبر، ما هیچگاه از پیکار با این دو جناح که سد راه آزادی و استقلال کشور بودند بازناپشادیم و از روش مستقل و صراط مستقیم که از آغاز کار برای خود برگزیدیم در مدت متجاوز از نیم قرن فعالیت های مبارزاتی خویش منحرف نشدیم.

طرد و اخراج فرهنگیان حزب توده از جامعه لیسانسیه های دانشسرای عالی

بر طبق اساسنامه جامعه لیسانسیه ها، چه در زمانی که جامعه ما بدین نام فعالیت داشت و چه در دورانی که با تشکیل کلبه فرهنگیان کشور در تشکیلاتی واحد، به جامعه معلمان ایران تغییر نام یافت، کلبه فرهنگیان کشور در تمام سطوح و با هر مکتب و مسلک و طرز تفکر از حق عضویت و شرکت در این سازمان برخوردار بودند، مشروط بر آن که در درون جامعه به نفع افکار سیاسی و

مکتب خوش فعالیت و تبلیغ نکنند. اما فرهنگیان توده‌ای با سرپیچی از رعایت این اصل از هر فرصتی برای تبلیغ مکتب خودش سوء استفاده می‌کردند، چون تذکرات مکرر شفاهی و کتبی ما به رهبران حزب توده در تغییر روش خود به نتیجه نرسید، مجمع عمومی جامعه با اکثریت آراء، فرهنگیان اعضای حزب توده را از جامعه زد و اخراج کرد. این اقدام، حزب توده را با شتم قوا علیه ما بسیج نمود. از جمله نشریات این حزب به قلم‌رسی‌های و تهدید و اتهامات گوناگون علیه فعالین جامعه پرداختند.

نمونه‌ای از مبارزات «شرافتمندانه»!! حزب توده علیه جامعه ما

از روزنامه بسوی آینده مورخ چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

«... رئیس جامعه که روزی از پشتیبانی معلمان شرافتمند برخوردار بود خود را بدامن افراد تنگن انداخت... افراد کلیدی که به معلمان خدمتگزار، لقب معلمین مطرود داده‌اند... ما از امروز آن روزی را که فرهنگ بدست فرهنگیان آزاد و ترقیخواه بیفتد مشاهده می‌کنیم و از تلاش مذبوحانه جاسوسان بیم نداریم و پامید آفرین، از فداکاری مضایقه نمی‌کنیم. ایران آزاد از آن ما است... اکنون درخشش و همدستانش که از همه‌جا ناامید گردیده‌اند، بهمان حربه پوسیده پلیس‌ها متوسل شده‌اند، در اعلامیه‌ای که از طرف آنها انتشار یافته درباره دیران شریف اراجیفی نوشته‌اند، اما آهای رئیس جامعه باید بدانند که آنچه داشت از دیران شرافتمندی که او را پشتیبانی می‌کردند بود و امشب و امروز کسی او را جز یک جاسوس و عامل پلیس نمی‌داند...»

و اینست پاسخ کوتاه مهرگان مورخ دوشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۰ به سران حزب توده

«نکته‌ها»

... برای چه درخشش مورد اتهام و تضيیقات قرار گرفته است؟ برای آن که او حاضر نشده است شرافت خود را زیر پا گذارد و خود را بوزارت فرهنگ بفروشد و به‌صالح همکاران خود پشت پا بزند. هیئت حاکمه تا حال بی‌بهای گزافی حاضر به خریداری او شد، ولی او خینی آگاه‌تر و داناتر از آن بود که فریب جاه و مقامهای زود گذر مصلحتی را خورده و قلم قرمزی بر روی فعالیت افتخارآمیز خود در تاریخچه جامعه بکشد... او می‌دانست که تسلیم شدن به‌جندن سرجنبانان کنوایی، کمک به فروپاشی خراب‌کاری در دستگاه فرهنگی و کمک به ابقای جیل و بیخبری است و حال آنکه او در طریقی سیر می‌کند که منتهی به وسط و توسعه دانش و فرهنگ می‌گردد... زنده باد جامعه نیسانیه‌های دانش‌رانی عالی، درود بر درخشش رئیس جامعه...» (از یک بیانیه)

«... اما این آقای رئیس جامعه باید بداند که آنچه داشت از دیران شرافتمند داشت که او را پشتیبانی می‌کردند و امشب و امروز کسی او را جز یک جاسوس و عامل پلیس نمی‌شناسد.» (از یک روزنامه)

بیانیه‌ای که در بالا چند جمله آن نقل شد عیناً چند سال پیش در رادیو پاکو و مسکو قرائت گردید و در روزنامه‌هایی نیز که با جراید «مردم» و «ریزم» همگام بودند منتشر شد، روزنامه‌یی که چند جمله آن عیناً در ذیل بیانیه نقل شده «رهبر» تازه‌یست که ماموریت دارد «مردم» را «بسوی آینده» هدایت کند. کسانی که از کودکان هشت ساله دبستان «مبارزان راه صلح» می‌سازند بآسانی می‌توانند قهرمانان مبارزات صحیح اجتماعی را با تهمت‌ها و افتراها تا درجه «جاسوس و عامل پلیس» تنزل دهند. فاعتبروا یا اولی‌البصار.

مهرگان در دوران دهساله اول پیکار جامعه در دو جبهه

مجموعه‌ی منتخبی از مقالات مهرگان درباره‌ی پیکار دهساله اول جامعه‌ی ما در دو جبهه در کتابی به نام «ده سال مبارزه در دو جبهه» با تیراژی وسیع در آبانماه سال ۱۳۳۵ چاپ و منتشر گردید که به نکاتی از آن مطالب اشاره می‌کنیم:

در صفحه ۱۸ این نشریه آمده است:

شدیدترین درگیری‌ها با حزب توده

«... از سال ۱۳۲۹ بعد، سالی که خطر شدید حزب توده برای فرهنگ و موجودیت ایران احساس گردید معلمان مبارز کشور با فداکاری در برابر نهیدند، توهین و فاسراگویی‌های حزب توده و دستگاه مخوف آن ایستادگی کردند و یک پایگاه استوار مبارزاتی ملی در برابر این حزب بوجود آوردند و دسته دسته فرهنگیان و جوانانی که فریب خورده بودند در برابر روشنگری‌های ما بیدار شدند و بما پیوستند و سخن پراکنی‌های رادیو مسکو و تبلیغات مداوم جراند حزب توده و اعمال ضد انسانی این حزب نتوانست از شکست آنها در برابر ما جلوگیری کند. جامعه ما در پیشگاه ملت ایران این افتخار را دارد که در حساس‌ترین ایام تاریخ با بیداری و هوشیاری کامل خطر را احساس کرد و بمبارزه با آن پرداخت و نیروی فرهنگیان را از دانش آموز و دانشجو تا استاد دانشگاه در صفوف خود برای مبارزه بفتح ایران و اعتلای نام ایران متشکل و مجهز کرد. این مبارزه‌ای بود که بجامعه ما قدرت و نیروی عظیمی بخشید و آن را از یک جامعه

صنعتی به یک سازمان ملی بزرگ ملت ایران تبدیل کرد...»

مهرگان مورخ ۲۱ مهرماه ۱۳۳۰

هیئت حاکمه و حزب توده لازم و ملزوم یکدیگرند

«... هیئت حاکمه و حزب توده لازم و ملزوم یکدیگرند: این دو جناح فاسد و مخالف چندین سال است با اختلاف غیر رسمی با یکدیگر کشور ما را بسوی نیستی می‌برند. منافع این دو دسته ایجاب می‌کند که در خفا یکدیگر را تقویت کنند. هیئت حاکمه ما باید همچنان به فساد و خیانت‌های خود بر ضد ملت و کشور ادامه دهد تا حزب توده بتواند پیراهن عثمان خوبی داشته باشد و خرایسهای دائم اینها را برخ مردم ستم‌دیده بکشد و تاراج‌های را بسوی خود جلب نماید. حزب توده هم باید وجود داشته باشد تا حکومت کنت‌گانی ما، در سایه تهدید از خطرات این حزب، بتوانند به دزدی‌ها و دغل‌کاریهای خود ادامه دهند... همکاری حزب توده با جناح حاکمه ما در زمان حکومت رژیم آراء آشکار و علنی گشت...»

روش وزراء و اولیاء وزارت فرهنگ و دانشگاه در قبال ما و حزب توده

نقل از نشریه ده سال مبارزه در دو جبهه:

«... در حالی که جامعه ما با تحمل تمام خطرات، با حزب توده مبارزه می‌کرد، اولیاء وزارت فرهنگ دست روی دست گذاشته بودند و با اطمینان از تقویت و حمایت توده‌ایها مضایقه نمی‌فرمودند! کار بجایی رسید که با قیافه حق بجانب ما را با آشتی با توده‌ایها دعوت می‌کردند... هرچه مبارزات ما با حزب توده شدت بیشتری می‌یافت قیافه گردانندگان دستگاههای فرهنگی بی‌طرفتر میشد و حتی اغلب آنها رسماً دست یعت به فراکسیون فرهنگی حزب توده می‌دادند، صفوف فرهنگ مشخص و متمایز گردید. یک طرف حزب توده و افراد بدنام و بدسابقه فرهنگ و یک طرف جامعه ما و معلمان دانشمند و وطن پرست و روشن بین... اما راه ما راه واقعی ملت ایران است...»

مسئولیت و غفلت بزرگ استادان دانشگاه

مهرگان ۴ آذرماه ۱۳۳۰:

«... اگر بعضی از استادان ما هنوز از لحاظ فکری در قرون وسطی زندگی می‌کنند اما براحتی درجد پندترین مدل اتومبیل لم می‌دهند و بعنوان نماینده بطرف مجلس شورا و منا رهپار می‌گردند... اینگونه استادان دانشگاه برای حفظ امتیازات سیاسی و اقتصادی خویش، در مقابل مضرتترین جریانات سیاسی، حالت بیطرفی بخود می‌گیرند و کارگردانان خطرناک سیاست‌ها را به نام «بیطرفی» آزاد می‌گذارند که آنها نیز اینها را در حفظ امتیازات طبقاتی و حیف و میل اموال مملکت آزاد بگذارند...»

محاصره شورای دانشگاه تهران

نقل از صفحه ۴۳ نشریه ده سال مبارزه در دو جبهه:

«... مسئولین دانشگاه در بحبوحه مبارزات ما با حزب توده جانب توده‌ایها را گرفتند... همان موقع رهبران جامعه پیش‌پیش می‌کردند و صریحاً به رئیس دانشگاه گفتند که تیره این حمایت از حزب توده را خواهید دید، این پیش‌پیشی به حقیقت پیوست و در آبان‌ماه ۱۳۳۰ بشرحی که در روزنامه‌های آن روز منعکس است توده‌ایها شورای دانشگاه را محاصره و اعضای آن را ساعتها زندانی کردند و انواع اهانتها را به استادان عضو شورا روا داشتند...»

نقش جامعه و روزنامه مهرگان در دوران ملی شدن صنعت نفت:

جامعه ما و مهرگان با حفظ استقلال کامل خویش بدون کوچکترین چشمداشت به پاداش، همواره از پیشاهنگان مبارزات ملی شدن صنعت نفت و حامیان صادق دکتر مصدق بود. شک نیست که با اعتقاد راسخ ما به اصول آزادی و دموکراسی، ما در تمام طول حیات پر فراز و نشیب جامعه و روزنامه مهرگان، با بت پرستی و بت تراشی و چاپلوسی و اطاعت کورکورانه جنگیده‌ایم. به همین دلیل در دولت دکتر مصدق نیز هیچگاه از برسرزدن نقاط ضعف دستگاه حکومتی و انتقادهای و راهنماییهای سازنده بمنظور هموار ساختن راه ملی شدن صنعت نفت و جلوگیری از به‌در رفتن فداکاریها و فداکاریهای ملت ایران غفلت نپوشیدیم. بنابراین حمایت ما از دکتر مصدق بکلی با حمایت آنهايي که در طلب جاه و مقام بودند و یا برای امیال سیاسی خویش از حیثیت و آبروی دکتر مصدق سوء استفاده می‌کردند و میکنند تفاوت بسیار داشته است.

روزنامه مهرگان شنبه ۳۰ خردادماه ۱۳۲۹:

نفت ما و لیره آنها، جبهه ما و شرکت آنها

«روزنامه انگلیسی استار (Star) نوشته است: «دولت ایران این پولهای هنگفتی را که بابت نفت از ما میگیرد بجه مصرف میرساند؟» ما پاسخ می‌دهیم که پول این نفت بمصرف حفظ و نگهداری آن دستگاه جاسوسی پوسیده‌ای بکار می‌رود که پیمانهای را از نوع معاهده دارسی که برای شما مقدس و برای ما منحوس است تمدید نماید و محکم سازد و ابدی کند... نفت ما برای شما امپراتوری قرن بیست و برای ما دستگاه پوسیده قرون وسطایی ببار می‌آورد...»

روزنامه مهرگان ۲۵ شهریورماه ۱۳۳۰:

آیا مقدرات ملت ما باید از لندن دیکته شود و یا نمونه استقامت و پایداری ملت ایران سرمشق همه ملت‌های خاورمیانه و شرق باشد؟

«اینک برای اولین بار در کشور ما نخست‌وزیری زمامدار گردیده است که بجای آنکه در مقابل نیروهای بزرگ جهان پیوسته در بن بست قرار گیرد، آنان را در بن بست قرار داده است... برای اولین بار نخست‌وزیر ایران در سیاست ایران و جهان مداخله می‌کند و بجای آنکه دپکته سیاستهای سیاستمداران اجنبی را بنویسد به سیاستمداران جهان نظرات خود را درباره سرنوشت ملت ایران دیکته می‌کند... برای اولین بار تهران منتظر نیست که ابتکارات از پایتختهای بزرگ دنیا شروع شود، بلکه پایتخت‌های بزرگ جهان شاهد و ناظر ابتکارات تهرانند...»

مهرگان دوشنبه ۲۰ آبان ماه ۱۳۳۰

خوابهای طلایی امریکا

«... اکنون که استعمار بریتانیا به نیروی ملت ایران بزانو درآمده است، امریکا با تمام قوا میکوشد که بر جای آن مستقر گردد و بر سیاست و اقتصاد کشور ما استیلا یابد. ملت ایران که با عزمی راسخ برای قطع نفوذ و استیلا بیگانگان پیکار می‌کند هرگز نخواهد گذاشت امریکا به بهانه‌ها و دست‌آویزهای نامشروع بر سرنوشت ما استیلا یابد...»

روزنامه مهرگان دوشنبه ۴ آذرماه ۱۳۳۰:

چه باید کرد؟

«... دکتر مصدق که رشادت و استقامت کم‌نظیر او راهزنان امنیت جهان را از شورای امنیت مأیوس و مطرود کرده است، باید برای رهایی از این بن بست بیش از هر چیز دست بیک تحول سریع اقتصادی بزند... باید مالیات‌های سنگین بر عواید، بر ارب و املاک و اموال وضع کند. باید واردات غیر لازم را بکسر ممنوع کند و بر آنچه برای تفنن و تجمیل اغیا وارد می‌شود عوارض سنگین و گزاف وضع کند... برای حصول بدین منظور طبقات مردم باید از هیچگونه فداکاری مضایقه نکنند...»

روزنامه مهرگان دوشنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۳۰:

قرضه ملی آخرین سنگر ماست

«... اکنون روشن گشته است که مسئله نفت ایران نیست بلکه استقلال ایران است... برای رهایی از تضییقات و محدودیتهایی که استقلال ما را تهدید می‌کند، قرضه ملی را باید بمثابة محکمترین و مطمئن‌ترین سنگر دفاعی تلقی کرد... البته با این داروی مسکن، آلام اجتماعی را موقتاً میتوان تسکین داد، اما علاج قطعی نمی‌توان کرد... باید برای رفورمهای اجتماعی و اقتصادی اقدامات جدی و عملی انجام داد... اگر دکتر مصدق از هم اکنون برای ایجاد یک تحول عمیق و شدید اجتماعی و اقتصادی نقشه‌های

مؤثری ضح نکند و باغواي اطرافيان جاه‌طلب و مسندپرست خویش که ایران را برای خود و برای شهرت و مقام خود می‌خواهند، در این مورد به تعلل و مباحه بگذرانند، بدون تردید فرصتی گرانبها را از دست خواهد داد....»

روزنامه مهرگان سه شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۳۰:

نقش امریکا خطرناکتر است

«... بالاخره اعلامیه مشترک «چرچیل - ترومن» در هفته گذشته توطئه «آنگلو - امریکن» در مورد نفت را برملا ساخت... در این مدت سیاست امریکا برخلاف آنچه سیاستمداران ما گمان می‌کردند، جز تعلل و دفع الوقت بتفع لندن هدفی نداشته است... امریکا برای آنکه فرصت داشته باشد در نهان با لندن معامله سیاسی خود را انجام دهد، تاکنون با وعده و نیرنگ بتفع خود و بتفع بریتانیا، کوشیده است که ما را پیبوده سرگرم و امیدوار سازد...»

روزنامه مهرگان دوشنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۳۱:

بعد از قطع رابطه با انگلیس چه باید کرد؟

«... باید با سر و صورت دادن به اوضاع داخل ایران رفته طبقات رنجبر کشور را تأمین نمود. باید بدون ترس و محابا، نادرستکاران و خائنان به مملکت را از دستگاه‌های دولتی ولو در هر مقامی که باشند ضرد نمود... آقای دکتر مصدق باید در کابینه خودش تجدید نظر کند، زیرا بیشتر وزرای کابینه فعلی دچار ضعف نفس بوده، قادر به اصلاح امور مملکت نیستند... هرگونه سستی و اهمال در یک تحول اساسی، بارآور بدبختی‌هایی است که قطعاً جبران‌ناپذیر خواهد بود...»

روزنامه مهرگان سه شنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۳۱:

دکتر مصدق و اصلاحات

«... در موقع خطیر و حساس کنونی، پشتیبانی از مصدق برای ادامه این مبارزات عظیم ملی ضروریست، اما پشتیبانی از او مدیحه‌سرایی و لای خوانی او نیست، بلکه راهتمایی و کمک فکری به اوست... پیروزی را با رجزخوانی و حماسه‌سرایی نمی‌توان بدست آورد... هیچ چیز به اندازه حقیقت‌گویی و راهتمایی این پیروزی را تأمین نمی‌کند... آنها که هر روز مصدق را قهرمان می‌گویند و درودهای آتشین به او می‌فرستند... جز آنکه حصول پیروزی ما را بتأخیر اندازند کاری نمی‌کنند، کسانی که به نهضت ملی و دکتر مصدق علاقه دارند نباید با مدیحه‌سرایی‌ها و رجزخوانیهای بی‌فایده، ملت را بیخبر نگاهدارند و وضعی پدید آورند که افشای حقایق، جرم و کفر باشد و دویویی و پرده‌پوشی که نهضت مقدس ما را آلوده خواهد کرد، مباح و واجب بشمار آید. نباید

انکار کرد که دکتر مصدق آن اندازه پیروزی و توفیقی که در مبارزه با سیاست بریتانیا در خارج ایران بافته است نتوانسته است در مبارزه با عمال این سیاست در داخل کشور بدست آورد... با کمال تأسف در میان همکاران مصدق و کسانی که مدعی رهبری جبهه ملی اند کسانی راه یافته اند که فقط برای کسب جاب و مقام خود، عنوان جبهه ملی را دستاویزی جهت تحقق هدفهای غیر ملی خویش کرده اند... در حالیکه نتیجه وضع کنونی مملکت، توسعه و ازدیاد فقر و بیکاری است، که نمیتوان آن را نادیده گرفت و هرگز به مصلحت نیست که بسکوت برگزار کرد. در جامعه ما مالکیت اشرافی بصورت وحشیانه ترین و خشن ترین قدرتهای اهریمنی، تمام حقوق طبیعی و بشری مردم را لگدمال میکند. اینها در حالی که دهقانان زحمتکش و محروم را با رنج و مرارت و سختی از پای درمی آورند و دهات را در اثر استیلاي فقر و وجود بیماری از سکنه خالی می کنند، فقط جیب خود و جیب عاکفان کازینوهای اروپا را آکنده می سازند...»

جنگ قدرت در درون نهضت

جامعه ما درباره این نزاع مملکت برافراز، به درج مقالات مفصلی در روزنامه مهرگان مبادرت نمود که به خلاصه منتخب از چند مقاله اشاره می کنیم:

روزنامه مهرگان ۲۱ بهمن ماه ۱۳۳۱:

دیگر مجال قهر و آشتی نیست

«... تصویب اختیارات جدید یک ساله، که آقای نخست وزیر می رود «بهره برداری» از آن را آغاز نماید روشنفکران و اصلاح طلبان کشور را بار دیگر به ایشان متوجه و امیدوار کرده است... دیگر وقت ملت و مملکت را نمی توان و نباید با قهر و آشتی و نطق و خطابه تلف کرد... دکتر مصدق باید کسانی را که در گذشته میان او و مردم حجاب افکنده اند و سعی ویزیده اند که بین او و سایر رهبران مبارزه ضد استعماری تفاه و تشنه اندازند، از گرد خویش براند... و برای تعدیل ثروت و تأمین عدالت قدمهای قاطع و عاجل و مؤثری بردارد و بی گمان اگر این بار نیز با وجود زمان مساعد که بدست آمده است بسامحه و تعلل بگذرد، امکان موفقیت برای همیشه از دست رفته است...»

روزنامه مهرگان سه شنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۳۱:

کیست که می خواهد مردم را مایوس کند؟

«... بدون تردید در میان آن عده انگشت شمار منفعت جویی که اکنون دکتر مصدق را احاطه کرده اند و بنام او بی دغدغه در سرنوشت مردم دخالت مغرضانه میورزند، کسانی هستند که مصلحت خود را در مایوس کردن مردم می دانند. امروز جز یک سلسله اصلاحات عمیق و قاطع هیچ چیز دیگر قادر نیست که شیرازه از هم گسیخته دفتر حیات

اجتماعی ما را نظام بخشد... گذشت زمان رفته رفته دارد این نکته را ثابت می‌کند که اطرافیان دکتر مصدق بعضی دانسته و بعضی نادانسته با اجرای هرگونه اصلاحات اساسی مخالفت می‌کنند و فرصت گرانیبایی را که کمتر برای ملت ما پیش آمده است دارند با کاغذبازی‌ها و قانون‌سازی‌های بی‌سرانجام به هدر می‌دهند و فرداست که این شور و التهاب اصلاح طلبانه مردم فروشنید و این فرصت گرانیبایی که حوادث تاریخ بدست زمامداران ما سیرده است، از دست برود... مردم می‌دانند کسانی که دارند آنها را از دکتر مصدق مأیوس و نومید می‌کنند، در حقیقت خیال خام زمامداری را در سر می‌پروراند و می‌خواهند با فراهم کردن زمینه «سقوط» از داخل، زمینه صعود خود را از خارج فراهم آورند و بار دیگر مملکت را بسوی ورطه استعمار سیاه یا سرخ بکشانند...»

روزنامه مهرگان دوشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۳۳۱:

این اختلاف نباید سرنوشت نهضت ضد استعماری ملت ما را بخطر اندازد

«... درست در روزهایی که تسلیم پیشنهاد مشترک دولتهین انگلیس و امریکا، مسئله نفت را در مرحله تازه‌تر و حساس‌تر وارد کرده است، دولت با تشنج و بحران بی‌هنگام و نامناسبی روبرو گشته است... اکنون ملت ایران بر سر دوراهی سرنوشت رسیده است. حرم در پیش است و حرامی در پس. پس هرگونه تفرقه و تشتت بهر عنوان و بهانه‌ای که باشد ممکن است هستی و آزادی و استقلال ما را بخطر اندازد و ثمره چهار سال مبارزه و فداکاری و مجاهده ما را در یک لحظه بریاد دهد. کسانی که از راه سالوس و تملق و ریاکاری دکتر مصدق را از دوستان خویش جدا کرده‌اند، و در نهضت عظیم ملی ایران تفرقه و تشتت انداخته‌اند، به مصالح مملکت و ملت خیانتی آشکار می‌ورزند. در اوضاع و احوال کنونی رهبران ملت ما باید هرگونه لجاج و عناد را از خویش دور سازند و فراموش نکنند که اگر نفاق و اختلاف آنها نهضت بزرگ ضد استعماری ملت ما را در نیمه‌راه متوقف و یا منحرف کند لعنت و نفرین ابدی ملت ایران و نسلهای آینده را بدنبال خواهند داشت.»

روزنامه مهرگان سه شنبه ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۱:

نباید گذاشت فرصت از دست برود

«... از آغاز حکومت دکتر مصدق چیزی که ما و همه صاحب‌نظران روشن بین را نگران کرده بود این اندیشه دردناک بود که می‌بادا دکتر مصدق بر اثر استغراق در کار سیاست خارجی، مشکلات داخلی را ناچیز گیرد. ما بارها در مقالات مهرگان لزوم ایجاد یک تحول عمیق و اساسی را به رئیس دولت یادآوری کردیم، اما در این مدت چنانکه نخست

وزیر نیز بارها تایید و اذعان کرده است، هیچ اقدام اساسی در جهت آسایش مردم انجام نشده، وقتی اطرافیان دکتر مصدق نگذاشتند در روزهایی که چنان وحدت و اتفاق بی نظیر و پر ارزشی در حمایت از او وجود داشت، به اصلاح داخلی دست بیاورد پیدا است که با اینهمه نفاق و تفرقه‌ای که حتی در داخل صفوف نهضت ملی رخنه کرده است، امکان انجام اصلاحات مشکل‌تر خواهد بود. با این حال دکتر مصدق که مورد اعتماد مردم است، باید برای اختلافی که بین او و سایر رهبران نهضت پدید آمده است، حداکثر گذشت و اغماض و فداکاری را بکار بندد و از این راه بار دیگر وحدت و اتفاق بی نظیر گذشته را بدست آورد...»

روزنامه مهرگان سه شنبه ۲ تیرماه ۱۳۳۲:

چند کلمه با رئیس دولت

«... چون روزنامه مهرگان همواره طرفدار این دولت ملی بوده است... وظیفه خود دانسته است ذهن رئیس دولت را بمسائلی که پتفع مملکت و شخص ایشان در آن ملحوظ بوده است توجه دهد... بعقیده ما مسئله اساسی و مهمی که بیش از همه چیز باید مطمح نظر و دقت آقای نخست وزیر قرار گیرد، علل و جهاتی است که موجبات تفرقه و جدایی عده‌ای از همکاران و دوستان سابق ایشان را فراهم کرده است.

... بعقیده عموم دوستداران دکتر مصدق، علت انشعاب و دشمنی‌ها را تنها امیال و اغراض خصوصی نمی‌توان دانست... آقای نخست وزیر باید آگاه باشند که مانند همه افراد بشر نمیتوانند از خطا و لغزش مصون باشند... بنابراین بعید بنظر میرسد که پایه و اساس بسیاری از دشمنی‌های دوستان قدیمی ایشان همین لغزشها باشد... مثلاً رئیس دولت نباید توقع داشته باشد که بعضی از عزل و نصب‌ها و گماردن اشخاصی نظیر بیات‌ها و سرتیپ دفتری‌ها در مقامات حساس مملکت، مورد انتقاد ملت و عده‌ای از رزمای سیاسی مملکت قرار نگیرد...»

فوس نزولی دولت دکتر مصدق - آخرین تلاشهای جامعه ما

حضور فرهنگیان و معلمان سراسر کشور، حتی در دورافتاده‌ترین نقاط روستاها و تماس آنها با طبقات مختلف مردم، خود بهترین وسیله سنجش افکار عمومی و اوضاع و احوال کشور، برای جامعه معلمان بود.

ما با کسب اطلاعات کافی از گسترش فعالیت‌های مخالفین و ضعف و ناتوانی‌های مصادر امور، چه از طریق گزارشهای کتبی و چه ملاقاتهای خصوصی و دسته‌جمعی و بالاخره روزنامه مهرگان، رئیس دولت را از مشکلات و مسائل رو به‌تزايد مملکت آگاه ساخته، در رفع آنها

پافشاری می نمودیم. بموازات این اقدامات، از مبارزه با مخالفان نهضت ملی، از جمله حزب توده، از هیچ تلاشی فروگذار نمی کردیم. همچنین با دیدارهای فردی و دسته جمعی مکرر با شخصیت‌هایی که با جداسدن از دکتر مصدق بر زبان نهضت ملی فعالیت داشتند، از جمله سید ابوالقاسم کاشانی، برای رفع اختلافات همواره مساعی خویش را بکار می بردیم. اما هرچه زمان به پیش می رفت، اختلافات و مشکلات افزون تر می گشت، از جمله عدم ایجاد تحولات «اقتصادی - اجتماعی» در جامعه برای بهبود زندگی نسبی اکثریت مردم خاصه توده های عظیم دهقانها که در سیستم ارباب و رعیتی با سخت ترین شرایط زندگی و فقر و محرومیت دست بگریبان بودند موجب گشت که این نیروی عظیم بسوی حزب توده که به دهقانها وعده آزادی از اسارت مالکین و بهبودی زندگی می داد!! رانده شدند و این حزب با سوء استفاده از هر فرصتی این نیرو را برای خرابکاری علیه نهضت ملی ایران و دکتر مصدق به خیابانها می کشانید. یعنی نیروی عظیمی که شامل اکثریت جامعه بود بجای آن که به پشتیبانی نهضت ملی ایران برخیزد، بوسیله حزب توده به راهبیماییها و خرابکاریها علیه نهضت کشیده میشد، همه این وقایع و مشکلات از یک طرف موجب یاس آزاداندیشان و طرفداران واقعی دکتر مصدق و از طرف دیگر باعث امید و حرکت دشمنان خارجی و مزدوران داخلی آنها گردیده بود و بالاخره کار گستاخی مخالفان بدانجا کشید که وزایی که زمانی در کابینه دکتر مصدق راه یافته بودند، از جمله زاهدی نخست وزیر کودتا و دکتر امینی عاقد قرارداد کنسرسیوم و بسیاری از عوامل فرصت طلب دیگر امثال سرنیپ دفتری ها رئیس شهرداری در اواخر دولت دکتر مصدق با تماس و سازش با خارجیا در خفا و آشکار مقدمات کودتا را برای تسلط استثمارگران خارجی بر کشور فراهم ساخته. در عین حال جنگ و نزاع زعمای درون نهضت و جدایی گروهی از آنها از نهضت مزید بر علت شده آنها بجای آن که با اتحاد خویش با دشمنان خارجی و مزدوران داخلی آنها بجنگند با خود جنگیدند و نهضت را از درون متفجر کردند و با دامن زدن شاه و مخالفان نهضت به این جنگ، دولت ملی دکتر مصدق را با یک کودتا ساقط نمودند و چنان فاجعه ای بیار آمد که مصائب آن بدین زودی ها از سر ملت ما دست بردار نیست که مخرب ترین آثار آن استقرار حکومت نظام ولایت فقیه در کشور ماست. بنا بر این کودتای ۲۸ مرداد را عوامل و علل داخلی بوجود آورد و خارجی ها با استفاده از این علل بود که دست به کودتا زدند.

نقش خرابکارانه حزب توده در جریان ملی شدن صنعت نفت

استاد و مدارک تاریخی گواه بر آنند که حزب توده از مهمترین عاملین شکست نهضت ملی ایران و دکتر مصدق در ملی شدن صنعت نفت و محرومیت مردم از برخورداری از آزادی و دموکراسی بود.

تمام تلاش حزب توده سپردن امتیاز استعمارگونه نفت شمال به شورویها بود و در این راه آشکارا و بی پروا نقش وکیل مدافع آن کشور را برعهده داشت و برای تسلط سیاسی و اقتصادی شوروی بر کشور ما از هیچگونه اقدامی علیه منافع ملت ایران فروگذار نمی نمود.

احسان طبری در روزنامه مردم شماره ۱۲ آبانماه ۱۳۲۳ چنین می نویسد:

«... ما بهمان ترتیب که برای انگلستان در ایران منافی قائلیم و بر علیه آن سخنی نمی گوئیم باید معترف باشیم که شوروی در ایران منافع جدی دارد، باید به این حقیقت پی برد که مناطق شمال ایران در حکم حریم امنیت شوروی است. عقیده حزب توده اینست که دولت به فوریت برای دادن نفت شمال به روسها و نفت جنوب به کمپانی های انگلیسی و امریکایی وارد مذاکره شود...»

رادمش دبیرکل حزب توده نیز در نشریه مردم برای روشنفکران، شماره ۱۷ سال ۱۳۲۳ چنین اظهار عقیده می کند:

«... آقای دکتر مصدق دانسته یا ندانسته با عمل خود بهراتب از آقای ساعد جلو افتادند و با طرح خود، باب مذاکرات را برای همیشه مسدود کردند. (توضیح: مقصود همان طرح پیشنهادی دکتر مصدق در مجلس برای جلوگیری از امتیاز دادن جدید نفت به خارجی ها است) «... آقای کافتاردزه (توضیح: نماینده اعزامی شوروی به ایران برای عقد قرارداد نفت شمال) متذکر شدند که مجلس شورای ملی با تصویب این طرح مرتکب اشتباهی شد و دولت شوروی مطمئن است که مجلس این اشتباه را اصلاح خواهد کرد...»

حزب توده با ایجاد خرابکاری، پایای عمال انگلیس و دشمنان داخلی دولت دکتر مصدق، برای شکست ملی شدن صنعت نفت تمام توان و امکانات خویش را بکار گرفته بود. بهمین دلیل مبارزات جامعه ما و مهرگان با این حزب در آن تاریخ باوج خود رسید. حزب توده در روزنامه ها و اعلامیه های خویش ناجوانمردانه دکتر مصدق را خیانتکار و توکر امپریالیسم معرفی می نمود که بعنوان مثال منتخبی از چند مقاله از روزنامه های مردم و بسوی آینده را بنظران می رسانیم:

روزنامه بسوی آینده ۱۴ مردادماه ۱۳۳۰:

«... دکتر مصدق با پیروی محض از امپریالیسم امریکا راه خیانت و سازش با شرکت نفت جنوب را در پیش گرفته است.»

از سرمقاله روزنامه مردم ۱۹ مردادماه ۱۳۳۰:

«... دکتر مصدق علناً به منافع ملت ما خیانت می ورزد و برای پابرجا نگهداشتن نفوذهای ارتجاعی امپریالیستی به ملت ما از پشت خنجر می زند.»

روزنامه بسوی آینده ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱:

«... مصدق با سازش با امپریالیست‌ها از سر نیزه خونبار حکومت نظامی استمداد می‌کند.»

روزنامه بسوی آینده ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱:

«... مصدق تضمین کرده است که آنچه می‌تواند، برای تبدیل وطن به پایگاه ضد شوروی بکوشد.»

روزنامه بسوی آینده ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱:

«... دولت مصدق چون آلت بی‌اراده در دست امپریالیستهای امریکایی است...»

روزنامه بسوی آینده ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱:

«... حکومت خائن دکتر مصدق برای بخون کشیدن میتینگ اول ماه مه، نوطه ننگینی تهیه دیده بود.»

روزنامه بسوی آینده ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱:

«... حکومت دکتر مصدق با تثبیت بر سر نیزه می‌خواهد سازشهای خائنانه خود را با امپریالیسم جهانی به انجام برساند.»

یکی از روشهای خرابکاری حزب توده از نظر دکتر مصدق

در صفحه ۲۲۸ کتاب خاطرات و تالکات دکتر مصدق آمده است: «اظهارات بعضی از نمایندگان در مجلس شورای ملی و مندرجات بعضی از جراید راجع به اینکه در زمان دولت اینجانب امنیت نبود، یکی از تبلیغاتی بود که بنفع بیگانگان صورت می‌گرفت، چون که نمی‌گفتند در کجای مملکت امنیت نیست... تنها چیزی که بعنوان ناامنی ذکر می‌شد این بود که روی لباس بانوان محلول اسپد سولفوریک می‌باشند که این کار را بعضی از افراد چپ مربوط به سیاست بیگانه مرتکب می‌شدند تا بعنوان ناامنی دولت را مجبور کنند از اجتماعات جلوگیری کند و مبارزه بنفع سیاست خارجی تمام شود...»

در این شماره به فراخور صفحات معدود خود مقالاتی چند از شماری از نویسندگان و اندیشمندان صاحب‌نام از دوره ۸ ساله مهرگان برای شما برگزیده‌ایم و امیدواریم در آینده نیز بتدریج از مقالات خواندنی و دیگر این مجموعه نمونه‌های دیگری عرضه کنیم.